

سینمای ایران در جهان از نگاه اهالی سینما

خسرو دهقان، علی‌رضا سجادیپور، جمشید ارجمند، مهرزاد دانش، امیر شهاب رضویان، فرهاد آنیش، علی‌رضا خمسه، رضا ناجی، سامان سالور، محمدهادی کریمی نظر داده‌اند



موفق گردیده دست کم ده درصد از بازار جهانی را به لحاظ بالقوه بودن در اختیار خود درآورد، اما سینمای ما به صورت بالفعل نتوانسته چندان موفق عمل کند، یعنی ما استعدادهای بسیاری را داریم ولی نمی‌توانیم آن را به فعلیت دریاوریم. شاید بخش اعظم آن به خاطر نگاه سیاستگذاران ما در حوزه‌ی سینما بوده است که باعث شده سینما در داخل کشور نتواند رشد

چندانی کند چه رسد به آن‌که بخواهد خودش را در خارج از ایران بروز دهد. متأسفانه اکثر فیلم‌هایی که در ایران تولید می‌شود نمی‌تواند آن‌طور که باید مخاطب را با خود همراه کند و روی گیشه تأثیر چندانی ندارد. ما نمی‌توانیم صرفاً به فروش چند میلیاردی یک فیلم در چند وقت اخیر تکیه کنیم.

جمشید ارجمند:

در دنیا صاحب سبک نیستیم



به‌حتم سینمای ایران در دنیا توانسته برای خودش جایگاهی را دست و پا کند اما نباید از یاد ببریم که عامل به دست آوردن این جایگاه اشخاص بوده‌اند نه سیاست‌های کلی سیاستگذاران سینمای ایران؛ افرادی مانند «عباس کیارستمی و بهمن قبادی» با نگاه متفاوت و گونه‌های ویژه‌ی که داشتند به خوبی با سلیقه‌ی تصمیم‌گیرندگان جشنواره آشنا بودند و فیلم‌هایی با

همان سبک و حال و هوا تولید کردند و مورد تشویق هم واقع می‌شدند، اما این مسئله در نوع خودش بسیار ناراحت‌کننده و دل‌پاره‌آور است چرا که قطعاً با رفتن این افراد جایگاه کنونی‌مان را از دست می‌دهیم و دیگر حرفی برای گفتن نداریم چرا که جایگاه کنونی ما وابسته به افراد است. در هر حال فیلم‌های تولیدشده را در کل دنیا می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ی کمی و کیفی.

شما توجه کنید برای مثال در سینمای هندوستان سالانه ۱۰۰۰ فیلم تولید می‌شود؛ از این تعداد دست کم ۱۰۰ فیلم در دنیا و کشورهای صاحب سبکی مانند آمریکا به نمایش درمی‌آید و مورد اقبال عمومی قرار می‌گیرد. آن‌ها در فیلم‌هایشان زبان و اندیشه‌ی مختص به خودشان را

سینمای ایران به لحاظ تجاری رشد کرده است؛ این حرف را زمانی می‌توانیم بیان کنیم که در سال دست کم ۱۰ فیلم پرفروش داشته باشیم، در هر حال سینماگران ما باید بدانند تا زمانی که فیلمسازان با محدودیت‌های بودجه‌ی و موضوعی مواجهند و قاعدتاً به این دلیل هم نمی‌توانند بازار داخلی را به دست آورند، نباید امید داشته باشند که در بازارهای جهانی حرفی برای گفتن داشته باشند. در هر حال در طول این سال‌ها همواره اشخاصی بوده‌اند که با تکیه بر دانش و منابع مالی فردی به تولید آثاری دست زده و که در جشنواره‌های دنیا مورد تشویق واقع شدند، اما باید بدانیم هر لحظه ممکن است با تغییر سیاست‌ها و اعمال سلیقه‌های جدید حتی این دست فیلم‌ها که به فیلم‌های جشنواره‌ی و غیر تجاری معروف‌اند، دیگر مورد توجه قرار نگیرند، پس هر چه زودتر باید به دنبال یک راهکار عملی برای به دست آوردن جایگاه واقعی سینمای ایران بود.

نگار حسینی

خسرو دهقان:

در اکران‌های عمومی دنیا جایگاهی نداریم



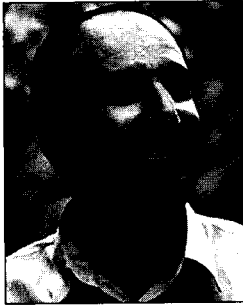
سینمای ایران در دنیا به واسطه‌ی جشنواره‌هایی که در آن شرکت می‌کند، شناخته شده است، در غیر این صورت به لحاظ تجاری و اکران عمومی در دنیا جایگاه قابل‌اعتنایی ندارد و برای به دست آوردن چنین جایگاهی احتیاج به یک مجموعه مناسبات تجاری و یک نظام اقتصادی پیچیده دارد و شاید رسیدن به چنین مناسباتی تا چند سال آینده برای کشور ایران دور از ذهن

باشد. اما در مورد آینده‌ی جایگاه ایران در دنیا باید گفت که من به این آینده خوش‌بین هستم؛ چرا که ما فیلمسازان مستند زیادی داریم که با تکیه بر اندیشه‌هایشان می‌توانند در جشنواره‌ها حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشند، اما ما نباید به جایگاه سینمای خارج از کشورمان تک‌بعدی نگاه کنیم، بلکه باید ابعاد دیگر آن را هم در نظر بگیریم، چون اکثر فیلم‌های ما صرفاً جشنواره‌ی و جایزه‌بیار هستند و نمی‌توانند سلیقه‌ی مخاطب عام و بازار را با خود همراه کنند. در هر حال ما باید تلاش کرده و فیلم‌هایی تولید کنیم که خریدارانش تنها جشنواره‌ها نباشند.

علی‌رضا سجادیپور:

سینمای ما به صورت بالقوه مطرح است

سینمای ایران به صورت بالقوه در دنیا همواره مطرح بوده است و



شهیدتالک» و «داریوش مهرجویی» توانست جایگاه بسیار خوبی را برای خودش در دنیا به دست آورد و بسیاری را تحت تأثیر اندیشه‌ی ایرانی قرار دهد، اما بعد از انقلاب ما دوره و سکوتی را به لحاظ فیلمسازی در دنیا داشتیم و در آن دوره نتوانستیم با تغییرات به وجود آمده، فیلم‌های چشمگیری را به لحاظ موضوعی بسازیم. اما با گذشت سال‌ها و آشنایی کارگردان‌ها با خط قرمزها و حد

و حدودهای خویش، ما دوباره توانستیم احیا شویم و به سمت جایگاه گذشته‌مان خیز برداریم و در این مسیر «عباس کیارستمی» پرچمدار بازگشت مجدد سینمای ایران در دنیا بوده است. هرچند که ما به لحاظ صنعتی دارای ضعف و کمبودهای بسیار و بعضاً آزاردهنده هستیم، اما سینماگران جوان ما به لطف اندیشه و افکار نابی که دارند، توانستند از میان این محدودیت و محرومیت‌ها، کارهای خوبی که بعضاً شبیه به یک شاهکار است را تولید کنند. البته منظور من از شاهکار این است که ما با داشتن ابزار و محدودیت‌هایی که به لحاظ موضوعی و روابطی داریم هم‌چنان توانستیم خودمان را در دنیا مطرح کنیم. در هر حال من آینده‌ی سینمای ایران را در دنیا بسیار روشن می‌بینم و احساس می‌کنم ما دارای نسل جوان ممتازی هستیم که زبان شرح مشکلات خودشان را پیدا کردند و قادرند آن را به بهترین شکل بیان کنند.

علی‌رضا خمسه:

تنها در بخش نرم‌افزاری صاحب جایگاهیم



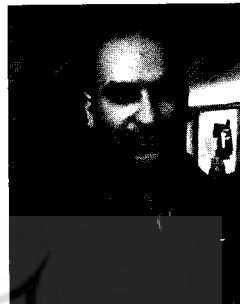
وقتی حرف جایگاه سینمای ایران در دنیا به میان می‌آید، ما آن را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار دهیم: ابتدا از جنبه‌ی سخت‌افزاری و دوم به لحاظ نرم‌افزاری. ما از لحاظ دوم یعنی همان نرم‌افزاری که تعبیر آن اندیشه و فکر است در دنیا بسیار مطرح و شناخته‌شده هستیم و اتفاقاً همه‌ی جوایزی را هم که در این باره به دست آوردیم، مدیون و مرهون اندیشه‌های سینماگرانمان هستیم که با وجود کم‌ترین‌ها و محدودیت‌هایی که وجود

داشته حرف‌هایشان را به بهترین شکل ممکن به مخاطب ارایه و آن را تحت تأثیر قرار دادند، اما به لحاظ سخت‌افزاری که همان بخش صنعتی سینماست ما نه تنها از هالیوود و کشورهای متوسط دنیا به لحاظ صنعت فیلمسازی عقب هستیم بلکه از کشورهای همسایه که حرف‌چندانی برای گفتن در عرصه‌ی فیلم و سینما ندارند هم عقب‌تریم و متأسفانه از این ناحیه ضررهای جبران‌ناپذیری به صنعت سینمای ایران وارد می‌شود. شما حتی اگر بهترین فیلم دنیا را با کیفیتی پایین و در یک فضای نامناسب به نظاره بنشینید، نمی‌توانید آن گونه که باید با آن ارتباط برقرار کنید. در هر حال سینمای ایران به لحاظ اندیشه توانسته در جشنواره‌های مختلف افتخارآفرینی کند اما نباید فراموش کنیم که برای انتقال اندیشه، احتیاج به ابزار داریم و اگر این ابزار را نداشته باشیم، دیر یا زود از گردونه‌ی

دارند که شناسنامه و هویت کارهایشان محسوب می‌شود؛ مانند فیلم‌های وسترن آمریکایی که برگرفته از طبیعت مردمان آمریکایی‌ست یا فیلم‌های کره‌یی و ... اما ما در فیلم‌های خودمان صاحب چنین سبک و نگاهی نیستیم مثلاً به لحاظ موضوعی چون با محدودیت مواجهیم سراغ فضاهایی می‌رویم که سینماگران دنیا ده‌ها سال قبل آن را تجربه کردند و دیگر چنین موضوع‌هایی برای مردم دنیا جذابیت ندارد.

مهرزاد دانش:

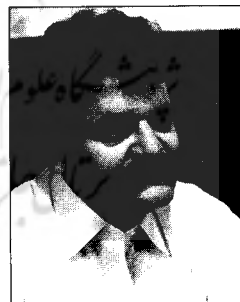
موفقیت‌مان جرقه‌ی است



در یکی دو دهه‌ی گذشته، سینمای ایران در دنیا توانسته به جایگاه نسبی دست پیدا کند که موضوعیت اکثر این فیلم‌ها زیباشناسی بوده یا در آن‌ها به مضامینی خاص پرداخته شده است. اغلب کارهای ما که در جشنواره شرکت کرده و موفق به اخذ جایزه شدند جرقه‌ی بودند. کارهایی مانند «درباره‌ی الی ...» که حاصل تفکر یک فرد و حوزه‌ی مختص به او بوده است. سینمای ما شاید در خاورمیانه آن هم به لحاظ اندیشه حرفی برای گفتن داشته باشد اما حتی در سطح آسیا توان رقابت با سایر کشورها را ندارد. ما از استانداردهای روز دنیا در صنعت سینما بسیار دور هستیم و چون از پشتوانه‌ی خوب مالی برخوردار نیستیم، بنابراین نمی‌توانیم در این زمینه تأثیر گذار باشیم.

امیر شهاب رضویان:

سینمای ما پتانسیل جهانی شدن را دارد



جایگاه فرهنگی سینمای ما به واسطه‌های جشنواره‌ی خوب تثبیت شد، اما در دهه‌ی ۸۰ به دلایلی جایگاه فرهنگی ایران افت کرد. خوشبختانه در یکی - دو سال گذشته شرایط کمی بهتر شده است، اما سینمای ایران از منظر اقتصادی جایگاهی در جهان ندارد. اگران پراکنده‌ی فیلم‌های ایرانی در آمریکای شمالی و اروپا در مقایسه با سینمای سایر کشورها مثل هند، چین، ژاپن و هنگ‌کنگ اصلاً مطلوب نیست و دلیل اصلی‌اش عدم حمایت دولتی است که باعث شده فیلم‌های ایرانی نتوانند مردم را به سینما بکشاند و تنها توانسته در جشنواره‌های خارجی حضور خوبی داشته باشد در حالی که سینمای ما توانایی جهانی شدن را دارد و بازده اقتصادی که ما از فروش این فیلم‌ها می‌توانیم داشته باشیم، قاعدتاً بسیار چشمگیر است. در هر حال تقویت بخش خصوصی در زمینه‌ی عرضه‌ی فیلم یک بازرگانی موفق خارجی است که ما از آن محرومیم.

فرهاد آئیش:

کیارستمی پرچمدار سینمای ایران در جهان است

سینمای ایران در دوره‌ی قدیم با تلاش افرادی مانند «سهراب



شد که این هم نتیجه‌ی برخورد نادرست با سینماگران صاحب اندیشه بود، چرا که تصمیم‌گیرندگان ما در حوزه‌ی سینما معتقد بودند فیلم‌هایی از این دست، تنها فیلم جایزه‌گیر هستند و قادر نیستند مخاطبان عام را با خود همراه کنند و به همین خاطر شروع به تحقیر و تخریب این نوع فیلم‌ها کردیم و این فیلم‌ها را متهم به سیاه‌نمایی نمودیم و روی سرشاخه نشستیم و گل‌ها

را بردیم. اگر هم در این مدت فیلم‌های ما در جشنواره‌ی صاحب جایزه شدند و مورد تشویق قرار گرفتند، فیلم‌های مستقلی از کارگردان و تهیه‌کننده‌های عاشق هستند که حاضرند بدون چشم‌داشتی چنین کارهایی را بسازند و زمانی هم که جایزه‌ی می‌گیرند کوچک‌ترین توجهی به آن‌ها از سوی مسئولین نمی‌شود در حالی که مثلاً اگر در ترکیه فیلمسازی بتواند چنین جایزه‌ی را به دست آورد در آن کشور جشن ملی برپا خواهد شد. معلوم است که با چنین برخوردی فیلمسازان ما به ساخت فیلم‌های آپارتمانی، کم‌دی و با داستان‌های آبیکی رو می‌آورند تا بدون هیچ دردمندی فیلم‌هایشان به نمایش درآید. فیلم خود من سه سال است که اجازه‌ی اکران عمومی پیدا نکرده دلش هم آن است که به آن انگ هنری بودن زدند و می‌گویند که چنین فیلم‌هایی تنها مخاطب خاص دارد. من در جواب آن‌ها می‌گویم شما چه زمانی تبلیغات و سالن‌های زیادی را به این نوع کارها اختصاص دادید و این دست فیلم‌ها نتوانستند مخاطب را به سینما بکشانند؟ همیشه یکی دو سالن آن هم از نوع بدترینش به این فیلم‌ها اختصاص داده می‌شد و هیچ تبلیغاتی هم روی آن انجام نمی‌شد، بهترین فیلم دنیا هم با این شرایط نمی‌تواند بفروشد چه برسد ...

محمدهادی کریمی:

فیلم‌های ما تنها جشنواره‌ی ست



سینمای ایران به لحاظ جشنواره در دنیا از جایگاه نسبی برخوردار است، اما ما باید بدانیم که منظورمان از حضور در فرای مرزها چیست؟ تنها این است که در جشنواره شرکت کنیم که در این صورت به خواسته‌مان رسیدیم اما اگر منظورمان از حضور در دنیا کسب تجارت و به دست آوردن ارز است، باید بگوییم که ما هیچ جایگاهی در دنیا نداریم، برای مثال این روزها از فیلم‌های هندی و کره‌یی در سراسر

دنیا استقبال می‌شود و سینمای این کشورها توانسته به یک صنعت پول‌ساز تبدیل شود اما ... در سینمای قبل از انقلاب به دلیل این که اکثر فیلم‌ها ماهیت بومی و منطقه‌ی داشتند در کشورهای همسایه مانند بحرین، افغانستان، تاجیکستان و ... مخاطب و طرفدارهای زیادی داشتند اما بعدها به دلیل تغییر دیدگاه صنعتگران سینمای ما و محدودیت و داستان‌ها و موضوع‌هایمان ما عملاً بازار را از دست دادیم و به همین دلیل به سراغ سینمای جشنواره‌یی رفتیم که جایزه‌گیر و از مخاطب به دور است. در هر حال سینمای ما بیش‌تر تفکر محور است، چرا که دچار محدودیت‌ها برای نشان دادن برخی از روابط است اما امیدواریم فیلم‌های ایرانی هم مانند فیلم‌های آسیایی نظیر کره و هند جایگاه قابل توجه و قبولی در دنیا به دست آورند ■

رقابت خارج می‌شویم و آن‌گاه تنها افسوس است که برای ما باقی می‌ماند.

رضا ناجی:

سینمای ما در دنیا انسان‌ساز است



سینمای ایران در دنیا از جایگاه بسیار خوبی برخوردار است و شما اگر فیلم‌های هنری را از ایران خارج کنید، متوجه خواهید شد که چگونه از آن‌ها استقبال می‌شود.

متأسفانه در ایران اکثر مردم تنها به دنبال تماشای فیلم‌های کم‌دی و طنز هستند و علاقه‌ی چندانی به دیدن فیلم‌های هنری ندارند؛ شاید به این خاطر است که آن‌ها در سینمای داخلی تا این حد مهجور واقع می‌شوند. درست است که فیلم‌های ایرانی به لحاظ صنعتی رشد چندانی نکرده است اما از بعد اندیشه و فکر در تمام دنیا از جایگاه قابل قبولی برخوردار بوده و همواره مورد توجه واقع شده است.

ما در کشورمان افرادی مانند «عباس کیارستمی»، «مجید مجیدی» و «بهمن قبادی» را داریم که صرفاً با تکیه بر ابزار اندیشه فیلم‌هایشان در کل دنیا دیده و پسندیده شده است؛ برای مثال فیلمنامه‌های مجید مجیدی به شکل کتاب درآمده است و حتی در مدارس ژاپن تدریس می‌شود، اما در کشور ما هیچ وقت چنین فیلم‌هایی جدی گرفته نمی‌شود. سال قبل که من در جشنواره‌ی برلین موفق به دریافت جایزه‌ی خرس نقره‌یی شدم، بسیاری از تماشاگران نزد من آمدند و گفتند ما فیلم‌های ایرانی را به دلیل نوع نگاه و پیام‌های اخلاقی‌یی که دارد، بسیار می‌پسندیم. البته چنین حرف‌هایی را من بعداً از تماشاگران کشورهای دیگر مانند چین، تبت، دبی، استرالیا و فرانسه هم شنیدم. آن‌ها همگی تحت تأثیر اندیشه‌های ایرانی قرار گرفتند و معتقد بودند سلامتی که در فیلم‌های ایرانی وجود دارد، باعث می‌شود کارگردانان به جای پرداختن به روابط جسمی دو فرد به اندیشه‌های آنان بپردازند و از فضاهای غیراخلاقی و اکشن که بعضاً بازتاب‌های بسیار بدی را در جامعه دارد، بپرهیزند. در هر حال سینمای ما در دنیا به عنوان یک سینمای انسان‌ساز و اندیشمند مطرح شده است و من امیدوارم در ادامه‌ی راه ما هم چنان جایگاه خویش را حفظ کرده و ارتقا دهیم.

سامان سالور:

در گذشته جایگاه خوبی داشتیم

در مورد جایگاه سینمای ایران و مسیری که تا کنون طی کرده و از این به بعد باید طی کند، می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد، اما اگر قرار باشد به‌طور مختصر به آن پرداخت، باید گفت سینمای ما جایگاه خوبی را در گذشته یعنی قبل از انقلاب برای خودش در دنیا به دست آورده بود، اما ما به مرور در حال از دست دادن این جایگاه هستیم. افرادی مانند «مهرجویی» و «بیضایی» در آن دوران درخشش عظیمی را در کل دنیا داشتند، اما بعدها به این دلیل که روابط محدودتر شد و فیلمنامه‌ها قادر نبودند که روابط مستقیم را نشان دهند، سینمای ایران در دنیا در برهه‌ی دچار افت شد. ولی در دهه‌ی ۷۰ که از آن می‌توان به عنوان دهه‌ی طلایی سینمای ایران نام برد، ما توانستیم در جای‌جای دنیا خودمان را به عنوان سینماگرانی که فیلم‌های پاک و نجیب و صاحب اندیشه می‌سازند، معرفی کنیم و اتفاقاً به خاطر این نوع نگاهمان جایزه هم گرفتیم و مورد تحسین واقع شدیم اما از اواسط دهه‌ی ۷۰ دوره‌ی سراسیمه‌ی و رفتن به سمت ابتذال به لحاظ موضوعی در سینمای ایران آغاز